

امت اسلامی و افق‌های نو

دکتر سید احمد زرهانی

نظام لیبرال دموکراسی با دو دسته از چالش‌ها مواجه شده است: اول؛ واکنش مردم کشورهای سرمایه‌داری به بی‌عدالتی و بحرانهای اقتصادی و تجاوزکاری دولتهای غربی به سایر کشورها و قتل عام بی‌رویه مسلمانان و انهدام منابع انسانی و مالی. دوم؛ حرکت بیداری اسلامی و پیدایش موج جدید مبارزات مسلمانان برای درهم شکستن سلطه استعمار و استکبار و نفی دیکتاتورها و مهره‌های مستبد و وابسته به غرب و تجربه تنفس در فضای آزاد اجتماعی. غرب در برابر این دو چالش، از روشهای فرسوده و غیرعقلانی مثل سرکوب، ترور، تهدید، حمله نظامی و زد و بند با عناصر فاسد در داخل کشورها استفاده می‌کند و هر روز بر مشکلات دیگران و خود می‌افزاید. برخی از متفکران غربی از تاخت و تاز و برخوردهای خشن و نامعقول سیاستمداران غرب نگرانند و این رویکرد را نشانی از پیدایش فصل جدیدی در تاریخ معاصر و از رونق افتادن بازار کاپیتالیسم می‌دانند. اگر سیاستمداران غرب به دامان تعقل برنگردند، آثار تصمیمات برون‌قاره‌ای آنها بر مقدرات جهان اسلام اثر می‌گذارد. ساده‌ترین اثر این رویداد، تشدید آهنگ بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان و افزایش فاصله شرق و غرب و مقدمه‌سازی برای آفرینش سازوکارهای حقوقی و سیاسی و اقتصادی تازه‌ای در نظام بین‌الملل و خم شدن کمر تمدن فرتوت غرب و طلوع تمدنهای شرقی به خصوص تمدن اسلامی در قرن ۲۱ میلادی است.

شواهد نشان می‌دهد که دیپلماتهای قطب استعمار نو، تصمیم به جلوس بر کرسی خردورزی و انصاف ندارند و می‌خواهند با خرید مهره‌های سست‌بنیان، محاصره اقتصادی، تهدید نظامهای مستقل، اعمال تلفیقی از جنگ نرم و سخت و ایجاد شکاف و آشفتگی و بحران اقتصادی و اجتماعی در کشورهای هدف، تعادل آنها را به هم ریزند و به جای دولتهای کنونی، دولتهایی با شعارها و رویکردهای قدری مدرن‌تر روی کار بیاورند و به راه سلطه‌گری ادامه دهند. غرب در اصل دولتی را در کشورهای نفت‌خیز منطقه قبول دارد که نگرهبان خوبی برای چاه‌های نفت و گاز باشد و تأسیسات استخراج و انتقال این انرژیهای حیاتی به شمار آید و وظایف فروش نفت ارزان را با اقتدار انجام دهد. اگر این کار در قرن ۲۱ میلادی با کمک حکومتهای استبدادی میسر نباشد، اشکالی ندارد که جای آنها را به حکومتهای شبه دموکرات بسپارد، ولی امنیت انرژی ارزان برای غرب به خطر نیفتد. در این گیرودارها، اگر کشورهای آسیب‌آسیب اساسی ببینند و صنعت و اقتصاد آنها متلاشی شود، از دید غرب ایرادی ندارد، چون دولتهای بعدی به ازای فروش نفت ارزان، افزون بر خرید تسلیحات، ناچار به خرید فناوری و توسعه مجدد می‌شوند و بازار سرمایه‌داری قدری از رکود بیرون می‌آید و دلارهای نفتی به سمت کارتلها سرازیر می‌گردد.

در برابر این نگرش استعماری و استکباری، مردم مسلمان کشورهای اسلامی به گونه دیگری می‌اندیشند. آنان با الهام از انقلاب اسلامی، به نفی توأمان سلطه استکبار خارجی و استبداد داخلی روی آورده‌اند و می‌خواهند جامعه‌ای با حاکمیت قانون و بر مبنای





دین و در جهت تأمین سعادت خود به وجود آورند و از زیر نفوذ استعمارگران رها گردند و سیادت کاذب اسرائیل غاصب را به گورستان تاریخ بسپارند. با این وصف، در یک میدان اجتماعی دو رودخانه از دو مسیر حرکت می‌کنند؛ رودخانه استعمار نو و رودخانه بیداری اسلامی و حرکت‌های ظلم سستیزانه مردم مسلمان منطقه، نقطه تلاقی این دو رود افکار عمومی است و جاذبه و دافعه ملتها و کانونهای تصمیم‌سازی جوامع به پا خاسته است. در این کشاکش نقش عالمان و متفکران اسلامی، بسیار برجسته و خطیر و سرنوشت‌ساز است. مردم این کشورها نیاز به هدایت و رهبری و برنامه‌ریزی دارند و نخبگان دینی، سیاسی و اجتماعی، باید با رصد تحولات و آینده‌پژوهی، به تدوین راهبردها و تخمین رویدادها بپردازند و راه را برای عبور از بحرانها هموار سازند. هوشمندی رهبران جهان اسلام، پشتوانه‌ای معتبر برای غلبه رودخانه صداقت بر رودخانه دروغ در عرصه این رویارویی تاریخی است. اگر دشمنان اسلام و سران استکبار جهانی، مخالفان خود را به دو دسته تقسیم کنند و با شیطنت، آنها را باهم به منازعه و درگیری بکشانند و انرژی و نشاط هر دو طرف را نابود سازند، زودتر به اهداف خود می‌رسند. در این صورت، به هر طرف که آسیب برسد، به سود استکبار تمام می‌شود. مصلحانی همانند مقام معظم رهبری که سخن از وحدت جهان اسلام و انسجام مسلمانان به میان می‌آورند و امت اسلامی را به یگانگی فرا می‌خوانند، از عمق استراتژی استکبار جهانی خبر دارند و خطر را به درستی می‌شناسند و پدیده برادرکشی را نامیوم می‌شمارند. راستی چرا وقتی دشمن مسلح در دارالاسلام به انهدام جان و مال و زمین مسلمانان می‌پردازد، عده‌ای مسلمان به جای طرد دشمن، همدیگر را قتل عام می‌کنند و اسباب شادمانی شیاطین را فراهم می‌آورند؟

این قبیل تسویه حسابهای ساده‌لوحانه، آب به آسیاب استعمار ریختن و زنجیر وابستگی به گردن آویختن است. برای عبور از بحرانهای استعماری و به ثمر نشستن شجره طیبه بیداری اسلامی، عنایت به نکات ذیل حائز اهمیت است:

۱. استراتژی وحدت در جهان اسلام در حوزه‌های علمی و دانشگاه‌ها، سرلوحه کار اندیشه‌ورزان مسلمان قرار گیرد و به اصل نظریه‌پردازی در حوزه تقریب و هم‌گرایی اهتمام مضاعف شود.

۲. دیدار عالمان و متفکران مسلمان تسهیل شود و چهره‌های برجسته مذاهب اسلامی با رویکرد مصلحانه برای حل مسائل جهان اسلام و حفظ هویت امت واحده چاره‌اندیشی کنند.

۳. مراکز صدا و سیما، دستگاههای فرهنگی و آموزشی و تربیتی و سایتها و سامانه‌های خبر پراکنی و اطلاع رسانی در جهان اسلام، از یک‌جانبه‌گرایی و تفرقه‌آفرینی احتراز کنند و با تمرکز بر مشترکات دینی، از دامن زدن به اختلافها خودداری ورزند و با ایجاد سازوکارهای نظارتی مجاری تولید تفرقه و سوء تفاهم را مسدود کنند.

۴. روابط فرهنگی، علمی، پژوهشی و اقتصادی در جهان اسلام، در چهارچوب تفاهم‌نامه‌ها و توافق‌نامه‌های جدید توسعه پیدا کند و در مناطقی که دولتها دل خوشی از همدیگر ندارند، میدان برای نهادهای دینی و مردمی و اجتماعی بازگردد، تا بدنه جوامع اسلامی باهم مراد علمی داشته باشند و نتیجه مطالعات و پژوهشهای آنها، باهم مبادله گردد. علما و استادان و متخصصان تعامل و همکاری مشترک به دست آورند، تا زیربنای مفاهمه در دنیای اسلام استحکام پیدا کند و بیگانگی مسلمانان از همدیگر کمتر شود.

۵. میدان عمل برای تفکر در حوزه‌های تخصصی مثل مردم‌سالاری دینی، اقتصاد اسلامی، روش‌های تشکیل امت واحده، تعامل دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و درمانی جهان اسلام، تشکیل بازارهای مشترک منطقه‌ای در سرزمینهای اسلامی باز گردد و متفکران به نقد و بررسی وضع موجود و طراحی نظامهای مطلوب براساس جهان‌بینی توحیدی مبادرت کنند، تا ادبیات حکومت دینی غنی‌تر گردد و به تدریج نظامهای اسوه به وجود آیند و خلأها را پر کنند.

به هر حال باید دانست که «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۱ خداوند حکیم برای حرکت تاریخ، قوانینی وضع کرده است و اگر ملتها برای رسیدن به سعادت، این قانون‌مندی‌ها را مراعات کنند، به اهداف مقدس می‌رسند و در این گیرودار، رسالت دانایان امت سنگین‌تر است؛ زیرا مردم چشم امید و اعتماد به آنان دوخته‌اند و انتظار دارند تا در پرتو الطاف الهی و اهتمام عالمان دین و متفکران مسلمان، به حیات طیبه نایل گردند. بدون تردید ستاره بخت استکبار جهانی رو به افول و خورشید اسلام بر پهنای قرن ۲۱ میلادی در سرزمینهای اسلام تَلَّوْ بِی نظیری خواهد داشت.